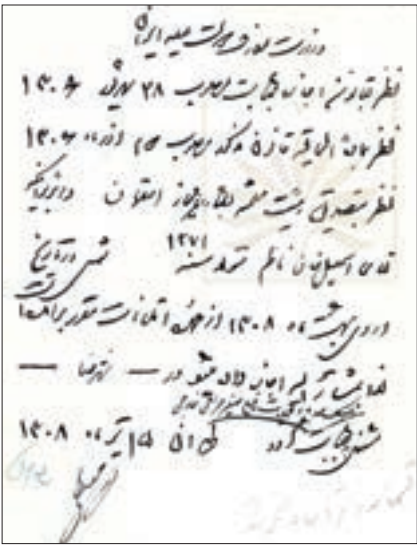


۲۸ شهریور ۱۳۰۶، سالروز تصویب قانون اجازه نامه طبابت

وقتی دکترها رسمی شدند



ایرانیان از پیش گامان علم پزشکی در دنیا بوده‌اند. براساس نوشته‌های هردوت و گزنفون، در دوره هخامنشیان و بعدها ساسانیان، ایرانیان مراکز آموزش پزشکی و دانشگاه‌هایی در مجاورت آتشکده‌ها برای دانشجویان برپا کرده بودند. به نوشته قطعی در تاریخ‌الحکما، دانشگاه جندی‌شاپور اولین کنگره پزشکی جهان را در بیستمین سال پادشاهی انوشیروان برگزار کرد. همچنین در همین دوره، انجمن عمومی پزشکان با هدف بحث و مطالعه در امور پزشکی ایجاد شد.

دانشگاه‌هایی نظیر جندی‌شاپور، ری شهر و... دانشجویان را آموزش می‌دادند. دانشجویان پس از پایان تحصیل، باید در آزمون بالینی شرکت می‌کردند تا اجازه طبابت بگیرند. شرط دریافت مجوز، درمان سه نفر با کارد(جراحی) بود تا بتوانند پس از موفقیت در آن، نوعی شهادت‌نامه و اجازه پزشکی بگیرند.

این رویه پس از ورود اسلام به ایران هم ادامه پیدا کرد و دانشمندی مانند خواجه‌رشیدالدین فضل‌... همدانی، تشکیلات عظیمی شامل مدارس دینی، بیمارستان پزشکی، کتابخانه، خانه استادان و فقیهان را با عنوان ربیع رشیدی در تبریز بنا نهاد که نزدیک به ۵۰ پزشک در بیمارستان و مدرسه طب آن بوده است و هر کدام مسئول آموزش به دو دانشجو طب بودند. دوران تحصیل، پنج‌ساله بود و دانشجویان پس از موفقیت در آزمون پایانی، گواهی‌نامه دریافت می‌کردند.

از صفویه تا قاجار (آغاز سلطنت محمدشاه، پزشکی در ایران از روند رو به رشد قبلی فاصله گرفت و دوره ایستایی را سپری کرد که باعث شد از موقعیت ممتاز گذشته دور شود. متقاضیان پس از طی مقدمات اولیه و خواندن صرف و نحو در مطب پزشکان معروف قدیمی، حکمت طبیعی آموخته، با همان مختصر معلومات خود به درمان بیماران می‌پرداختند و گاه دلاکان، برخی جراحی‌ها را انجام می‌دادند. در این دوره، هیچ مقام مسئولی برای رسیدگی به کار پزشکان در کشور وجود نداشت و آنان تنها با جلب اعتماد مردم به طبابت اشتغال داشتند.

در دوره ناصری، تعدادی پزشک غربی به کشور وارد و نیز تعدادی از جوانان برای تحصیل در پزشکی جدید به اروپا اعزام شدند. امیرکبیر در سال ۱۲۶۷قمری از دکتر کازولانی، حکیم‌باشی نظام، خواست بر کار طبیبان نظارت کند و به آنان تصدیق دهد تا به‌طور رسمی به کار طبابت بپردازند. بعدها ناصرالدین‌شاه برای ایجاد تحول از کلو، که پزشک مخصوص خود، خواست تا با پذیرش عده‌ای، به آنان طب جدید آموزش دهد. در ولایات نیز امتحان اطبا و دادن جواز طبابت به مر حله عمل درآمد. به دستور اعضادالسلطنه قرار شد نام طبیبانی که گواهی‌نامه دریافت کرده بودند، در روزنامه دولت علیه ایران اعلام شود. با تشکیل مجلس شورای ملی، قانون طبابت در ۱۳ماده و در ۳جمادی‌الثانی ۱۳۲۹ قمری، ۱۰ خرداد، ۱۲۹۰ شمسی، به تصویب رسید. در قانون اشاره شده بود افرادی که دارای سابقه ده‌ساله طبابت و درمان بودند، می‌توانستند بدون گذراندن امتحان یا دوروی، اجازه رسمی طبابت بگیرند. همچنین قانون، افراد با سابقه ۵سال تا ۱۰سال را در صورت موفقیت در امتحان، مجاز به دریافت اجازه‌نامه می‌کرد. با تصویب قانون یادشده، طبابت فقط با اخذ مدرک پزشکی از داخل و خارج از کشور امکان‌پذیر شد.

۱۶ سال بعد در ۲۸شهریور ۱۳۰۶ قانون اجازه‌نامه طبابت نیز از تصویب مجلس شورای ملی گذشت که براساس آن، پزشکان با سابقه بیش از ۱۰سال پس از موفقیت در آزمون وزارت معارف، می‌توانستند برای طبابت در حدود معین‌شده اجازه‌نامه رسمی دریافت کنند.

منبع: تاریخ طب و طبابت در ایران به روایت اسناد(شرح حال طبیبان نامدار و ناشناخته ایران از عهد قاجار تا پایان عصر رضاشاه- ۲جلد) مؤلف: محسن روستایی، ناشر: سازمان اسناد ملی ایران، سال چاپ: ۱۳۸۲

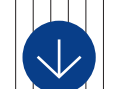


شهریار

روزنامه شهرامید وزنگی

دشنبه ۲۷ شهریور ۱۳۹۶ ۲۸ شهریور ۱۳۹۶ شماره ۳۲۵۴

۰۴



تاریخ و هویت

هما سعادتمند

h.saadatmand@shahraranews.ir

شهر نوغان با قدمت دوهزارساله‌اش، حدود ۱۲۰۰سال است که با نام

مشهد دوام گرفته و کوچه‌پس کوچه و خیابانش از عمحله اصلی و چند برج و بارو به بی‌نهایت امروز رسیده است. عیدگاه یکی از این محلات قدیمی است که در جنوب‌شرقی اماکن متبرکه رضوی و بخش مر کزی مشهد که از قدیمی ترین بخش‌های شهر محسوب می‌شود، قرار دارد و اگرچه امروزه با گسترش مشهد و ایجاد مناطق مسکونی مدرن و جدید، دیگر چندان جایگاه ویژه‌ای ندارد، روزگاری دارای رونق و اهمیت بوده و زائرپذیرترین محله مشهد محسوب می‌شده است. گزارش پیش‌رو نقبی است بر روزگار ازسرگذشته این محله و مردمانش.

● جایگاه محله عیدگاه درمیان محلات قدیم مشهد

«محله» کلمه‌ای عربی است که آن را یک قسمت از چندین قسمت شهر یا قریه تعریف می‌کنند. «حافظ‌ابرو» در اوایل قرن نهم و دوره تیموری، وضع محلات شهر را چنین توصیف کرده است: «و این مشهد مقدس چند محله است. محله کاریز، محله سناباد، محله چانه‌وند، محله دستچر، محله منصوریه، محله ابوبکرآباد، محله پس‌بهره.» که اکنون گذشته از محله سناباد (سراب) و محله چانه‌سو (چهنسو)، موقعیت مکانی محلات دیگر مشخص نیست.

اعتمادالسلطنه نیز در زمانه حکومت قاجار و تاجداری ناصرالدین‌شاه وقتی در ملازمت او به مشهد می‌آید، درباره محلات

آن، چنین می‌نویسد: «شهر مشهد در این زمان عمحله بزرگ و ۱۰محله کوچک دارد. محلات بزرگ عبارت است از خیابان علیا، خیابان سفلی، سراب، چهارباغ (سرشور)، عیدگاه، نوغان و محلات کوچک مانند محلات پاچنار، ارگ، سرسوق، سرحوضان، محله جدیدها، مروی‌ها، تپل محله، محله غیرشمارها که آن را کوچه سپاهان هم می‌گویند و محله کشمیری‌ها و محله چهنو می‌باشد.»

بعدها و در دوره پهلوی اول(۱۳۰۹) با ایجاد خیابان فلکه و تهران و همچنین ایجاد خیابان شیخ‌طوسی در سال ۱۳۵۴ واحداث

ساختمان‌های جدید، به‌مرور بافت این محله دستخوش تغییرات بسیار شد؛ با این همه محصوربودن بیسن اماکن متبرکه که رضوی سبب شد این محله همچنان به لحاظ

موقعیت جغرافیایی با حدود تقریبی محله عیدگاه قدیم برابری کند.

● موقعیت جغرافیایی محله عیدگاه عیدگاه در جنوب شرقی اماکن متبرکه که رضوی و هم‌جوار با آن قرار دارد. در گذشته، محدوده آن از غرب و شمال غربی به محله سرشور و حرم مطهر، از شرق به حصارشهر، از شمال به بالاخیابان و محله سرحوضان، محدود می‌شده است. اعتمادالسلطنه در شرح خاطراتش از مشهد می‌نویسد: «محله عیدگاه در جنوب شهر و از کنار باروی شهر تا بست مقدس امتداد دارد که قطعه دیگر را «گود حسام‌الدین» و همچنین قطعه‌ای از آن «کوچه کربلا» و قطعه دیگر را «سرتپه خاک» می‌نامند.»

اظهارنظر درباره هر چهار مکان نام‌برده

عیدگاه، گاه آرام گاه پرجنب‌وجوش

مروری بر تاریخ ازسرگذشته محله عیدگاه که روزگاری زائرپذیرترین محله مشهد بوده است

شده به‌دلیل مشخص‌نیودن مکان دقیق سجده گاه و گود حسام‌الدین مشکل است امادر اسناد باقی‌مانده از دوره صفویه (۱۰۷۶قمری) نام کوچه «کربلا» آورده شده است. با گذشت زمان بسیار، هنوز نام کوچه کربلا در خیابان امام‌رضاع) هیچ تغییری نکرده است. بنابه گفته موسسید کرده‌ها و قدیمی‌های عیدگاه، در گذشته این منطقه را «آن‌طرف پل چوبی» می‌گفتند. کوچه تپه‌خاک که در محله عیدگاه وجود دارد هم ممکن است بقایای همان قطعه «سرتپه‌خاک» باشد. محله عیدگاه همچنین به‌وسیله کوچه‌های عباسقلی‌خان، سرحوضان

و باغ حسن‌خان به پایین‌خیابان مرتبط است. ناگفته نماند که دروازه عیدگاه جزو عدروازه اصلی و قدیمی شهر به حساب می‌آمده که دارای اهمیت ویژه‌ای بوده است. معمولا

مسافرانی که از سمت هرات و شهرهای اطراف آن به مشهد می‌آمدند، از این دروازه وارد می‌شدند. پس از احداث یا تجدیدبنای دروازه پایین‌خیابان، دروازه عیدگاه، موقعیت خود را از دست می‌دهد و تنها در دوره قاجاریه زمانی‌که به‌همراه دروازه بالاخیابان به‌عنوان گمرک انتخاب می‌شود، دوباره رونق خود را بازیابی‌یابد. بنا به گفته اهالی قدیمی محله، قسمت‌هایی از بارو، خندق، برجک‌ها و دروازه عیدگاه به‌علت عدم گسترش شهر از سمت شرق تا‌ا‌وایل دهه ۴۰شمسی قابل مشاهده بوده است.

● وجه‌تسمیه نام عیدگاه

عیدگاه از نظر لغوی، اسم مکان و مرکب از ۲کلمه «عید» به‌معنای شادی و جشن و «گاه» به‌معنای جای، مکان یا محله

آمده است. تاکنون درباره وجه تسمیه عیدگاه نظرهای متفاوتی مطرح شده اما معروف‌ترین روایت که در برخی منابع تحقیقاتی نیز آمده است، می‌گوید که در زمان حمله عبدالمومن‌خان ازبک به سال ۹۹۸قمری، کشتار بزرگی در شهر رخ می‌دهد. مردم اجساد این قتل‌عام بزرگ را در شمال حرم مطهر در ناحیه‌ای که بعدها به «قتلگاه» معروف می‌شود، دفن می‌کنند اما عیدگاه که درمقابل قتلگاه یعنی ناحیه شرقی اماکن متبرکه رضوی قرار داشته، از جنگ و کشتار مصون می‌ماند؛ به‌همین دلیل به «عیدگاه» مشهور می‌شود. گروهی هم معتقدند چون در گذشته در این مکان نمازهای عید فطر و قربان برگزار می‌شده، اینجا عیدگاه لقب گرفته است. درلغت‌نامه دهخدا هم واژه عیدگاه با همین عنوان، یعنی محل برگزاری نماز عید فطر، معنا شده است.

اما نقل قول موسسید کرده‌های عیدگاه از

نام محله‌شان، آن را به نوروز می‌رساند؛ زیرا معتقدند در نوروز به‌ویژه سیزده‌به‌در، این محله به‌دلیل داشتن باغ‌های سبز بی‌شمار، تفرجگاه مردم مشهد و زائران بوده است و به‌همین دلیل به‌مرور زمان به این نام شهره می‌شود.

● اماکن و ابنیه تاریخی محله عیدگاه باتوجه به قدمت محله عیدگاه، بناهای متعددی مانند آب‌انبار، حمام، مسجد، تکیه، مدرسه و... در آن وجود داشته که در نوع خود بارزش بوده و در کتاب‌های مختلف هم به آن اشاره شده است. بنابه نقل از کتاب «نفوس ارض اقدس»، محله عیدگاه در سال ۲۹۵شمسی دارای ۱۸آب‌انبار، ۲مدرسه، ۱۶مسجد، ۱۷تکیه، ۹کاروان‌سرا و تیمچه، ۷حمام، ۲۸کارخانه شعربافی و ۱۴باغ بوده است. ناگفته نماند که به‌علت کم‌بودن آب در مشهد در گذشته، آب‌انبارها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند. برهمین اساس

به‌مناسبت روز شعر وادب پارسی

شعرهای یادگاری شهریار در مشهد

به شهریار، روز شعر و ادب فارسی نام‌گذاری شده است. شهریار اصالتا تبریزی است و بیشتر سال‌های زندگانی‌اش را در پایتخت گذراند اما جالب است بدانید که تعدادی از اشعار منتشرنشده و منتشرشده از او با دستخط خودش در مرکز اسناد آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. این اشعار را که در قالب غزل و به خط شکسته نستعلیق هستند، اسناد شهریار دربین سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۵۰ سروده است. همچنین دو نامه به دستخط شهریار به یکی از دوستانش به نام «میرزاعلی‌اکبر گلشن‌آزادی» که شاعر و نویسنده و روزنامه‌نگار بود، در مرکز اسناد آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. این اشعار دست‌نویس را به همراه نامه‌ها آستان قدس سال ۱۳۹۰ خریداری کرد. ناگفته نماند که در گنجینه مخطوطات کتابخانه مرکزی آستان قدس، هزار نسخه کتاب خطی از شاعران بزرگ ایران زمین نگهداری می‌شود که اشعار شهریار تنها نمونه کوچکی از آن‌هاست. این کتاب‌ها متعلق به شاعران بزرگ شعر و ادب فارسی از جمله فردوسی، عطار، خیام، جامی، مولوی، دهلوی، حافظ شیرازی، سعدی و چندین شاعر بزرگ دیگر است.

نعشی میان چاه

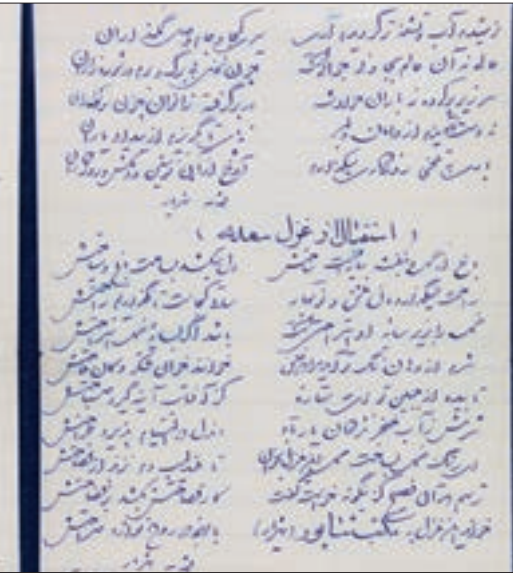


نشده است.

دیگر نوشته‌اند که در ارض‌اقدس هفت ساعت از شب رفته، دکان ندافی آتش گرفته، گزمه و سایرین خبردار شده، متوجه خاموش کردن آتش شدند. اگرچه زود خبر شدند و زود آتش سر‌نکش مزبور رفته، رخت‌ا‌ورا جست‌وجو کرده، مَهر علی‌اصغر نامی در رخت او یافتند. گویا قاتل یا قاتلان گمان کرده بودند پول زیادی داشته است، او را کشته و پولش را برده‌اند. بالجمله‌نکش مزبور را برده دفن کردند و قاتل و تاکنون معلوم

از قرار ی که در روزنامه خراسان نوشته‌اند در مزرعه هادی‌آباد ترشیز مقنی به چاه قنات آنجا رفته بود که تنقیه نماید نعشی در میان چاه دیده بود که طنابی به گردن او بسته وده تومان پول نقد هم در کمر بسته دارد. چند نفر را خبر کرده به سر‌نکش مزبور رفته، رخت‌ا‌ورا جست‌وجو کرده، مَهر علی‌اصغر نامی در رخت او یافتند. گویا قاتل یا قاتلان گمان کرده بودند پول زیادی داشته است، او را کشته و پولش را برده‌اند. بالجمله‌نکش مزبور را برده دفن کردند و قاتل و تاکنون معلوم

روزنامه وقایع‌اتفاقیه/شماره ۳۴۵/۲۰ محرم ۱۳۷۴



خبر سوخته



ساخته شده است تا حافظ آن سنگ باشد. اهالی هم محل آن گور را به شیخ‌عبدا... انصاری نسبت می‌دهند، لیکن اگر آن سنگ دارای اصالت باشد، ممکن است یادمانی از مزار ناپیدی «شیخ‌عبدا... غر جستانی» بوده باشد. به‌هر حال با تاکید عبدالرحمان جامی بر اینکه «جسد او را به طوس منتقل کرده‌اند و قبر وی آنجاست.»، شیخ‌عبدا... غر جستانی باید در مزار ویرانی یا شهر طابران طوس دفن شده باشد.

منبع: کتاب نام‌آوران طوس-تالیف سیدی و یاحقی

شیخ عبدا... غر جستانی که پیش‌گام شیوخ پیرو علاءالدوله سمنانی در طوس بوده، به تصریح منابع تاریخی در ویرانی می‌زیسته و در جنگ آل کرت با سرداران به سال ۷۴۳ قمری، کشته شده است اما پیکرش را برای دفن به ولایت طوس منتقل کرده‌اند. با توجه به اینکه محل زیست او خنقاوه ویرانی یا شهر طابران بوده است، جسدش هم باید در یکی از دو محل دفن شده باشد، اما اکنون محل مزار او نه در ویرانی معلوم است و نه در شهر طابران طوس، در حالی‌که در قرن اخیر سنگ گوری میان باغ‌های روستای کنگ پیدا شده که این ابیات بر روی آن نوشته شده است: «با خاک درش حور و خنقاوه همراه است/ این قبر نشان شیخ‌عبدا... است // کام دل خود بخواه از حضرت او/ از کز جمله اولیای این در گاه است.»

بنا بر آنچه در مقدمه دیوان میرزا حبیب خراسانی و به قلم یکی از نوادگان او آمده، زمانی که میرزا حبیب در روستای کنگ باغی خریده و می‌خواسته ساختمانی در آن بسازد، سنگ مزبور پیدا شده است. از آن پس در محل یادشده، اتاق کوچکی

مشاهیر